

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: آندونی باسریگوری
برگردان: مجله جنوب جهانی
فرستنده: طاهر باختری
۰۶ فبروری ۲۰۲۵

«بیماری کودکانه چپروی در کمونیسم» و سایر مسائل



در روستای ما، یکی می‌گفت که کمونیست‌ها (و زنان کمونیست...) تمام وقتشان را در اینترنت می‌گذرانند و درباره جنسیت فرشتگان بحث می‌کنند، در بحث‌هایی که واقعاً هیچ فایده‌ای ندارند. آنچه که واقعاً فایده دارد، به گفته او، این است که در زندگی روزمره، اوضاع مردم را بهتر کنیم.

امروزه به این کار سوسیال‌دموکراسی می‌گویند؛ همان سوسیال‌دموکراسی همیشگی. فقط برخی از سوسیال‌دموکراسی‌ها به شما اجازه می‌دهند که کمی سر و صدا کنید، به همه چیز ناسزا بگویند (یعنی برای لحظاتی احساس کنید که کمونیست هستید...). اما در لحظه حقیقت، این گزینه‌های سوسیال‌دموکرات (چه در سطح دولت‌های ملی و چه در سطح ملت‌های تحت ستم دولت اسپانیا) وقتی به قدرت می‌رسند (و برخی خیلی هم حکومت می‌کنند)، همان کاری را انجام می‌دهند که سوسیال‌دموکراسی همیشه کرده است: یعنی دادن مشروعیت به نظام سرمایه‌داری، تا بتواند خود را دموکراتیک نشان دهد و در عین حال، از آنچه که کمونیست‌ها واقعاً باید انجام دهند جلوگیری کند... یعنی سازماندهی انقلاب. انقلاب سوسیالیستی، البته.

انتقاد از این رفتارها باعث می‌شود که بگویند دچار همان چیزی شده‌اید که لنین به‌طور دقیق به عنوان چپروی، این بیماری کودکانه در کمونیسم تعریف کرد.

شخصاً نمی‌دانم که آیا مردم سوریه این بیماری کودکانه کمونیسم را می‌شناسند یا نه، اما چیزی که کاملاً می‌دانم این است که آنها هزار هزار کشته می‌شوند. و بهترین‌های جامعه سوریه را قتل‌عام می‌کنند: زنان معلم، نظامیانی که علیه

جهاذگر ایلان جنایتکار جنگیده‌اند، جوانانی که حاضر نیستند تسلیم یک مشت متعصب شوند... بهترین‌های جامعه سوریه! فکر می‌کنم که برای این مردم، چپ‌روی به عنوان یک بیماری کودکانه هیچ اهمیتی ندارد، کاملاً طبیعی است... تنها چیزی که از ما تمنا می‌کردند این بود که کسی به کمکشان بیاید و نگذارد که در این وضعیت بیفتند، در تاریک‌ترین نقطه یک رژیم فئودالی حامی ناتو.

روابط بین‌المللی فوق‌العاده پیچیده هستند و زوایای بسیاری دارند که در اکثر موارد، ما از آنها بی‌خبریم. یا این که سال‌ها بعد، به لطف تاریخ‌نگاران، از آنها آگاه می‌شویم. چیزهایی که صد سال پیش رخ داده، تازه امروز آشکار می‌شود. آنچه که قطعی است، این است که کمونیست‌ها صد سال پیش و امروز هرگز نباید (و نباید می‌بودند) کارگزاران بوروکراتیک روایت رسمی، همان‌طور که سیلویو رودریگز بزرگ می‌خواند.

کمونیست‌ها همیشه رفتارهایی را که باید نقد شوند، مشخص کرده‌اند. حتی اگر سوسیال‌دموکرات‌ها یا کسانی که در نهادهای مشابه کار می‌کنند، ما را به عنوان مبتلایان به این بیماری کودکانه کمونیسم (چپ‌روی) معرفی کنند. واقعیت عینی این است که حکومت جهاذگرای سوریه، به سرعت از سوی برخی کشورها به رسمیت شناخته شد، که این نشان می‌دهد در دوحه، مذاکرات زیادی انجام شده است. البته، نمی‌دانم که در آنجا چه موضوعاتی مطرح شده، اما فقط می‌دانم که در میان شرکت‌کنندگان، ترکیه و روسیه حضور داشتند. تقریباً روز بعد، دولت سوریه بدون مقاومت زیادی سقوط کرد، و بقیه ماجرا را همه می‌دانند، به‌ویژه مردم سوریه. همان مردم سوریه که قهرمان واقعی و قربانی اصلی این وضعیت‌اند.

بلاروس به دمشق رفت. به‌عنوان یک کمونیست، از این که دولت مینسک آن جنایتکاران را به رسمیت شناخت، انتقاد کردم. و این، ذره‌ای از همدلی، حمایت و محبت من به دولت بلاروس کم نمی‌کند. دولتی که اتفاقاً در میان جریان‌های ضدسرمایه‌داری و ضد امپریالیستی مختلف، چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. شاید اگر سفرهای رایگان ارائه می‌کرد، علاقه‌ی بیشتری جلب می‌کرد!

و سپس روسیه وارد شد. و آن تصویر (از همراهی روسیه با این روند) نیز باید نقد شود، بدون این که این انتقاد، ذره‌ای از حمایت شایسته روسیه در نبردش علیه نازیسم در کیف و باند جنایتکار ناتو بکاهد. این که روسیه ناتو را شکست دهد، برای بشریت و برای خود روسیه، حیاتی و اساسی است.

هیچ کمونیستی نباید حمایت از روسیه و تلاش جنگی آن را کاهش دهد. آلترناتیو این وضعیت همان چیزی است که فیدل تعریف کرد: فاشیسمی که در لباس دموکراسی پنهان شده است.

و هیچ کمونیستی نباید از انتقاد از آنچه که دو ماه پیش در سوریه رخ داد، دست بکشد. و بزرگترین دلیل این کار این است که ما کمونیست هستیم. و اگر به این خاطر ما را به داشتن بیماری کودکانه کمونیسم متهم کنند... خب، باشد! توهین به ما چیز جدیدی نیست. انجام نقد مشروع، صادقانه و وفادارانه یکی از وظایف ماست.

اما آنچه که وظیفه ما نیست، حمایت از نهادهای سوسیال‌دموکراتیک از موضع کمونیستی است، نهادهایی که فقط به وضعیت موجود در اسپانیا اکتیژن می‌رسانند.

۰۴ فبروری ۲۰۲۵